

اسلام دين كامل است

مؤلف: الشيخ محمد الأمين الشنقيطى

مترجم: ابوالعاصم البخارى



رد شبهات ملحدین



no-atheism.net



islamway1434



no_atheism



no_atheism



asteira

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على خاتم النبيين، وعلى آله وأصحابه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين •

وبعد :

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) ^۱ (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) ^۲

"همانا دین پسندیده نزد پروردگار دین اسلام است"؛ "وهرکه غیر از اسلام دین دیگری طلب کند هرگز از وی پذیرفته نمیشود ، و او در آخرت از زیان کاران است"

مبارزه میان حق و باطل از زمان قدیم ادامه دارد، تمام ادیان، مذاهب کفری والحادی ونهادهای ضد اسلام همیشه سعی بلیغ نمودند تا سد راه گسترش و پیشروی اسلام گردند، و همیشه بر علیه اسلام عزیز توطئه، تبلیغات، ود سیسه جویی میکنند تا اسلام را در نظر جهانیان بخصوص آنعده جوانانیکه جدیداً به اسلام مشرف میشوند بد و زشت نشان دهند.

جهان مسیحیت امروز از گسترش اسلام در غرب در هراس اند، بدین سبب میخواهند به هر نحویکه باشد اسلام را بد نام سازند، گاهی میگویند اسلام منحصر به مسجد است ؛ و در نظام سیاسی، طرز حکومت داری واقتصادی مردم

^۱ - آل عمران: (۱۹)

^۲ - آل عمران: (۸۵)

هیچگونه دخا لتی ندارد، و پاسخ گوی مشکلات و نیازهای مردم نیست. و گاهی هم میگویند که [العیاذ بالله] اسلام دین ترورستی و دهشت افگنی است.

ولی اسلام دین کامل، فراگیرنده، و جوابگوی تمام نیازها و مشکلات بشریت چه در دنیا و چه در آخرت و رحمت برای جهانیان است چنانکه الله متعال میفرماید: (**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...**^۱) "امروز کامل کردم برای شما دین تانرا و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را (بعنوان) دین پسندیده برای شما " و همچنین میفرماید: (**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**^۲)

" و نفرستادیم ترا (ای پیامبر صلی الله علیه و سلم) مگر رحمت برای جها نیان " و اگر اسلام دین کامل، شامل و جوابگوی تمام نیازها و مشکلات مردم نمیبود هرگز الله تعالی آنرا تا قیام قیامت برای بشریت بعنوان یک دستور کامل و قانون کلی معرفی نمیکرد.

و هرچه کافران بخاطرنا بود ساختن دین اسلام سعی کنند هرگز کامیاب نخواهند شد؛ زیرا که الله تعالی حفاظت آنرا به عهده گرفته است که او را بر تمام ادیان غالب خواهد کرد، چنانکه میفرماید: (**هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**^۳)

" اوست آن ذاتی که فرستاد پیامبر خود را با هدایت و دین راست تا غالب کند او را بر همه ادیان اگرچه مشرکان ناخوش شوند "

و مادر عصر زندگی میکنیم که از هر طرف تهاجم و حملات و حشیانه، توطئه و تبلیغات سوء علیه اسلام صورت میگیرد با اشکال گوناگون بعنوان کمک،

^۱ - المائدة : (۳)

^۲ - الأنبياء : (۱۰۷)

^۳ - سورة الصف أنه ۹

همکاری و بازسازی با استفاده از ضعف و نا آگاهی مردم مشغول فعالیت اند، بناءً بنده احساس مسؤولیت نموده خواستم تا در جهت نشر و تبلیغ دین مبین اسلام سهم گرفته و برای امت اسلامی و خصوصاً به برادران که به زبان فارسی آشنایی دارند خدمتی تقدیم کرده باشم.

رسالة که اکنون به دسترس شما خواننده گان گرامی قرار دارد ترجمه کتاب "الإسلام دین کامل" تألیف دانشمند بزرگ و شخصیت معروف و برجسته جهان اسلام (علامه شیخ محمد امین بن محمد مختار شنیطی رحمه الله) میباشد، و شیخ تألیفات زیادی دارد که معروفترین آنها:

۱- تفسیر أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن

۲- مذکره فی أصول الفقه علی روضه الناظر.

۳- آداب البحث والمناظره

۴- الإسلام دین کامل و غیره اند.

و رساله ترجمه شده گرچه بظاهر کوچک ولی در واقع پر محتوی و مشتمل بر اصول و قواعد کلیه اسلام است. بناءً خواستم تا آنرا به فارسی در ترجمه کرده خدمت خوانندگان محترم تقدیم نمایم.

یقیناً کار ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کار دشواری است چونکه این کتاب اولین ترجمه بنده میباشد. لهذا از عموم خوانندگان گرامی تقاضا دارم که اگر در اثنای مطالعه سهو و خطایی در ترجمه یا در مسایل علمی و یا در طباعت بنظر بخورد از باب نصیحت و خیر خواهی به اصلاح آن کوشیده بنده را آگاه ساخته از همکاری شان دریغ نورزند.

و در پایان از دانشمند جوان محترم قریب الله (مطیع) سپاس گذارم که با وجود مصروفیتهای زیاد شان در تصحیح و مراجعه ترجمه این کتاب از هیچگونه

همکاری دریغ نورزیدند، بناءً از الله بزرگ وباعظمت برای شان اجر بزرگی را
خوهرانم. و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله واصحابه اجمعین .

ابوعاصم عبدالاحد بن محمد تخاری
۱۳۸۶/۸/۱۷ هـ ش — ۱۴۲۸/۱۰/۱ هـ ق

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله وصحبه ومن دعا بدعوته إلى يوم الدين. اما بعد:

این رساله کوچک که در دسترس شما قرار دارد در واقع درسی است که به درخواست پادشاه دولت المغرب در مسجد نبوی صلی الله علیه وسلم بیان و ارائه نمودم. سپس برخی از برادران بخاطر چاپ و نشر آن از من خواستند تا آنرا در رشته تحریر درآورم، پس به ندای آنها لبیک گفته بیانیه مذکور را در رشته تحریر درآوردم، و از الله بزرگ امیدوارم که من و تمام مسلمانها را ازین سخنان بهره مند گرداند {آمین} .

اسلام دین کامل است

الله جلّ و علا میفرماید: { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا }^۱

"امروز برای شما دین شما را کامل کردم و بر شما نعمت خود را تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان دین خدا پسند برای شما برگزیدم".

وقت نزول این آیت

این آیه در حجه الوداع شامگاه روز عرفه (روز جمعه) در عرفات بر پیامبر ص نازل گردید. ایشان بعد از نزول آیت فوق ۸۱ شب در قید حیات باقی ماندند.^۲

توضیح چند مطلب:

۱- سورة مائدة: ۳

۲- بخاری کتاب الإیمان حدیث شماره [۴۵] و صحیح مسلم کتاب التفسیر حدیث شماره [۳۰۱۷]

۱- الله متعال درآیه مذکور توضیح داده است که دین را تکمیل نموده و هرگز از آن چیزی را کم نمی کند، و نه به اضافه و افزایشی احتیاج دارد، ازین جهت الله متعال سلسله پیامبران را به فرستادن پیامبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خاتمه بخشید.

۲- و همچنین الله متعال درآیه مذکور بیان نموده است که اسلام را بعنوان دین پسندیده برای ما اختیار نموده، و از آن رضا یت و خشنودی خود را اظهار داشته است. و با صراحت تام بیان داشته که بجز دین اسلام هیچ دین و آیینی را از هیچ کسی قبول نخواهد کرد؛ در مورد این مطلب الله متعال میفرماید: {وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} ^۱ "و کسی که غیر از اسلام دینی دیگری را برگزیند از او پذیرفته نمیشود و او در آخرت از زیان کاران است." و همچنین الله متعال فرموده: {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ} ^۲ (یقیناً دین پسندیده نزد الله متعال همانا اسلام است).

۳- تمام سعادت و نعمت های دارین (دنیا و آخرت) را با تکمیل نمودن دین و بیان جمله احکام آن بر ما آرزانی نموده است.

بنابر این الله متعال میفرماید: {وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي} "نعمت خود را بر شما تمام کردم" پس این آیت دلیل صریح و واضح است که دین اسلام هر آنچیزی که انسان ها در دنیا و آخرت به آن نیاز دارند بطور درست و کامل بیان نموده، و هیچ چیزی از آنرا و نگذاشته است، ما ذیلاً برای وضاحت این موضوع ده مسئله بزرگ و عمده را بطور مثال و نمونه بیان میکنیم که مدار همه امور دنیوی و اخروی که جهانیان به آن نیاز دارند میباشد.

۱- سورة آل عمران آیه ۸۵

۲- سورة آل عمران آیه ۱۹

این مسائل عبارت انداز:

- ۱- توحید.
 - ۲- وعظ.
 - ۳- فرق میان عمل نیک و غیر آن.
 - ۴- حکم کردن به غیر شریعت اسلامی.
 - ۵- احوال توده ها در جامعه اسلامی.
 - ۶- اقتصاد.
 - ۷- سیاست.
 - ۸- مشکلات سیطره کفار بر مسلمانها.
 - ۹- مشکلات ضعف و ناتوانی مسلمانها در مبارزه علیه کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی.
 - ۱۰- مشکلات اختلاف دلها و افکار میان افراد جامعه اسلامی.
- اکنون میخواهم حل و علاج هریک از این مشکلات را که قرآن کریم بیان نموده واضح نمائیم، ولی در آغاز به چند مسأله مهم اشاره میکنیم:

۱- مسئله اول: توحید:

با تحقیق و بررسی از آیات قرآن کریم برمی آید که توحید بر سه نوع است:

اول: توحید ربوبیت:^۱ یعنی یکتا و یگانه دانستن خداوند در آفرینش، اقرار و اعتراف به این نوع توحید در فطرت و سرشت خردمندان نهاده شده

۱- توحید ربوبیت عبارت است از توحید در افعال خدا جل جلاله یعنی اعتقاد و باور داشتن به اینکه الله متعال آفریننده همه مخلوقات است، و اوست که تمام امور کائنات را تدبیر و تنظیم میکند، و نظام هستی را میچرخاند، و او تعالی روزی دهنده هر جنبنده و زنده جان است، و هیچ کسی در پادشاهی با او تعالی شریک نیست، و از هر قسم کمبود و کوتاهی و عیب پاک و منزّه است (مترجم).

است [مشرکان هم به این نوع توحید اقرار داشتند] چنانکه الله ﷻ میفرماید: {وَلَسِنُ
سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ}¹

"اگر از آنها سؤال کنی چه کسی ایشان را آفریده است؟ یقیناً میگویند: الله [آفریده است]."

و همچنین میفرماید: {قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ
فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ}²

"بگو چه کسی شمارا از آسمان و زمین روزی می دهد، یا کیست که مالک گوش
و چشمها باشد، یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ یا چه
کسی امور (کاینات) را میگرداند؟ پس خواهند گفت که آن الله متعال است، پس
بگو آیا نمی ترسید؟"

اما انکار کردن فرعون و امثال آن از توحید ربوبیت از روی ضد و عناد و تجاهل
بود. [در حالیکه آنان در دلها ایشان کاملاً یقین و باور بر آن داشتند].

چنانکه الله ﷻ میفرماید: {وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا}³
"و انکار کردند [معجزه ها را] از روی ستمگاری و تکبر، در حالیکه دل هایشان به
آن یقین داشت."

و نیز میفرماید: {قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بَصَائِرَ}⁴

۲- سورة الزخرف آیه ۸۷

۳- سورة یونس آیه ۳۱

۴- سورة النمل آیه ۱۶

۵- سورة الإسراء آیه: ۱۰۲

"گفت [موسی به فرعون] به تحقیق تودانسته ای که نفرستاده است این نشانه ها و معجزه ها و دلائل روشن و واضح را مگر پروردگار آسمانها و زمین"
ازین جهت قرآن کریم این نوع توحید (توحید ربوبیت) را بصیغه استفهام انکاری بیان نموده است.

چنانکه الله ﷻ میفرماید: { أَفَى اللَّهِ شَكٌّ }^۱ "آیا در مورد وجود الله متعال شک و تردیدی است؟"

و نیز میفرماید: { قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ }^۲ "بگو: آیا [سزاوار است] پروردگاری جز الله متعال طلب کنم، و حال آنکه او پروردگار همه چیز است."

اما اقرار مشرکان به این نوع توحید برای شان سودی نبخشید [و آنها را در صف مسلمانها داخل نساخت] زیرا آنها الله ﷻ را به یکتائی عبادت و پرستش نکردند [بلکه در عبادت شان برای الله همتا و شریک مقرر کردند، یعنی بعضی انواع عبادت مثل دعاء، طلب شفاعت، نذر، ذبح و غیره را برای غیر خدا تخصیص داده بودند].

چنانکه الله ﷻ میفرماید: { وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلاَّ وَهُمْ مُشْرِكُونَ }^۳ "وایمان نمی آورند اکثر آنان به الله مگر اینکه آنان [به نوعی] مشرک اند."
و نیز میفرماید: { مَا نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى }^۳ "ما آنان را پرستش نمیکنیم مگر بدان خاطر که ما را به الله نزدیک گردانند."

و همچنین الله ﷻ میفرماید: { وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُبْتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ }^۱ "و میگویند (اینها میانجیهای ما

۱- سورة ابراهيم آیه ۱۰

۲- سورة الأنعام آیه ۱۶۴

۳- سورة زمر آیه ۳

در نزد الله اند، بگوآیا الله را خبر می‌دهید از وجود چیزهای [بنام بتان و انبازها] که خداوند در آسمانها و زمین سراغی از آنها ندارد".

نوع دوم: توحید الوهیت و یا توحید عبادت:

و این همان توحیدی است که بغرض اثبات و تبلیغ آن پیامبران مبعوث گردیده اند؛ و در مورد این توحید در میان پیامبران و امت هایشان نبردها و جنگ‌ها صورت گرفت، ثمره و نتیجه این توحید همانا متحقق و ثابت شدن معنی و مقصود "لا اله الا الله" است، [معنای لا اله الا الله] بر دو اساس استوار است که همانا نفی و اثبات است.

- ۱- معنی "لا اله" نفی تمام انواع عبادت از معبودهای غیر خدا را در بر دارد.
 - ۲- و معنی "الا الله" یکتا و یگانه دانستن الله ﷻ در تمام انواع عبادت بگونه‌ای که خود خداوند آنرا مشروع قرار داده است می باشد.
- و اکثر آیات قرآن کریم در مورد همین نوع توحید نازل شده است. چنانکه الله متعال میفرماید: {وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ}²

"و یقیناً در هر امتی پیامبری را فرستادیم که عبادت کنید الله را (به یکتائی) و دوری کنید از بتان". و نیز ﷻ میفرماید: {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ}³ "هیچ پیامبری پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی میکردیم که هیچ معبودی بر حق غیر از من نیست، پس مرا پرستش کنید".

۴- سورة یونس آیه ۱۸

۵- سورة النحل آیه ۳۶

۱- سورة الانبیاء آیه ۲۵

وهم چنین ﷻ میفرماید: { فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ }^۱ "پس هر که منکر طاغوت شود (معبودان باطل) و ایمان آورد به الله پس یقیناً چنگ زده است بدست آویز محکم که آنرا گسستن نیست، والله شنوای دانا است".

نوع سوم: توحید اسماء و صفات الله ﷻ

این نوع توحید نیز بردواصل و اساس استوار است، طوری که الله ﷻ خودش بیان نموده است.

اول: پاک و منزّه دانستن الله ﷻ از مشابّهت مخلوقات.

دوم: ایمان داشتن و یقین کردن به تمام نام ها و صفاتی که الله متعال برای ذات خودش ثابت کرده و یا پیامبرش او را توصیف نموده است، به نحوی که شایسته کمال و عظمت اوست.

و هویدا است که هیچ کسی الله ﷻ را بهتر از خودش توصیف کرده نمی تواند، و هم چنین — بعد از الله متعال — کسی بهتر از پیامبرص نمی تواند خدا را توصیف کند.

خداوند متعال در مورد ذات خودش میفرماید: { قُلْ أَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ }^۲ "آیا شما بهتر میدانید یا الله ؟" و از شأن رسولش خبر داده میفرماید: { وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ }^۳ "از روی هوا و هوس سخن نمی گوید، آن نیست (قرآن) مگر وحی، که بسوی او فرستاده میشود". همچنان الله متعال در آیه ذیل مماثلت یا شبیه و همانند بودن را از خود نفی کرده چنین میفرماید: { لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ }^۴

۲- سورة البقره آیه ۲۵۶

۳- البقره: ۱۴

۴- سورة النجم آیه ۴ و ۳

۵- سورة الشورى آیه ۱۱

"هیچ چیزی شبیه و همانند الله نیست" و برای ذات خویش اثبات صفات را بطور حقیقت بیان نموده میفرماید: {وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} ^۱ "واو شنوا و دانا است". پس جزء اول آیت به عدم تعطیل و تحریف در اسماء و صفات خداوند متعال حکم میکند [و جزء دوم آیت به اثبات اسماء و صفات او تعالی دلالت میکند]. پس از آیه که بالا ذکر شد واضح و هویدا میگردد که اثبات اسماء و صفات خداوند، حقیقتاً بدون تمثیل [مثل و همانند ثابت کردن برای الله] و نفی کردن مماثلت [مخلوق با خدا] بدون تعطیل - واجب و ضروری است.

همچنان در قرآن کریم الله ﷻ بیان نموده است که مخلوقات از احاطه و دانستن ذات و صفات او تعالی عاجز هستند، چنانکه میفرماید: {يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا} ^۲ "آنچه راپیش روی آدمیان است - از امر قیامت - و آنچه راپس از آنان است - از امر دنیا - می داند، حال آنکه آنان به او احاطه عملی ندارند"

مسئله دوم: وعظ

[پند دادن و نصیحت کردن] همه علماء برایین مسئله اتفاق نظر دارند که الله ﷻ هیچ واعظ، مراقب و نکوهش دهنده ای فرود نفرستاده است که بهتر و بزرگتر از موعظه علم، و معرفت و دانستن اینکه خداوند ﷻ مراقب احوال بندگان است باشد. به این معنی که شخص مسلمان در هر حال و شرائطی الله ﷻ را برگفتار و کردار خود ناظر و مراقب بداند ^۳.

۶- سورة الشورى آیه ۱۱

۱- سورة طه آیه ۱۱۰

۲- "الله را طوری پرستش کن که گویا تو او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی پس یقین داشته باشی که او ترا می بیند" و در این مورد از بعض صالحین چند مصرع اشعار هم نقل شده است:

إذا ما خلوت الدهر يوما فلا تقل	خلوت ولكن قل على رقيب
ولا تحسبن الله يغفل ساعة	ولا أن ما تخفى عليه رقيب
ألم تر أن اليوم أسرع ذاهب	وأن غدا للناظرين قريب

و یقین نماید که الله ﷻ بر همه کارهای آشکار و پنهان او آگاه است، و همه انسانها زیر نظارت او تعالی قرار دارند.

برای توضیح بیشتر این مسئله و نزدیک ساختن آن به اذهان خوانندگان، علماء ضرب المثل را ذکر کرده اند که در روشنی آن امور غیر محسوس به مرتبه محسوس قرار میگیرد، مثلاً یک پادشاه خون آشام، مستبد، و ستمگر، که شمشیرش از خون انسانها رنگین، و از تمامی امکانات برخوردار باشد، و در عین وقت زن و دخترهایش در نزدش حضور داشته باشند، آیا ممکن است کسی از حاضرین در موجودیت وی به حریم و دخترهایش دست درازی کند، و یا بسوی آنها نگاهی بدکند؟ طبعاً

نه خیر، بلکه همه حاضرین را خوف و هراس در آغوش کشیده و چشمانشان از ترس به زمین فرومی افتد، آرزوی همه این می باشد که از اذیت و عقوبت پادشاه ظالم جان به سلامت برده و محفوظ بمانند.

[شرح این مطلب] {وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى} "برای الله مثال های خوب و اعلی ثابت است" یقیناً او خدایکه علم، آگاهی، هیبت و پادشاهی حقیقی اش تمام جهان و جهانیان را فرا گیرد می باشد، و گرفت و انتقامش سخت تر و قوی تر از آن پادشاه است [بلکه باید از انصاف کار بگیریم زیرا در حقیقت میان قدرت الله ﷻ و پادشاهان مجازی روی زمین هیچ مقایسه و مناسبتی وجود ندارد] پس پروردگاری که دارای چنین اوصاف باشکوه و با عظمت باشد سزاوارتر است که همیشه او را پرستش و از او هراس داشته باشیم.

چون اگر تو احیاناً خلوت و تنهایی را اختیار کنی پس مگو که من تنها شدم و لکن بگو که بر من مراقب و ناظری وجود دارد. "والله متعال را برای یک لحظه هم غافل و بی خبر مپندار، و نه آنچه که ترازوی پنهان میکنی پوشیده مپماند"

"آیامی بینی که روزگار چطور به شتاب میگذرد، و یقیناً فردا برای نظاره کننده گان قریب است."

مثال دوم: اگر اهالی یک شهر و یا منطقه بدانند که امیر آن شهرویا منطقه از تمام کردار و گفتار خورد و بزرگ آنها در شب و روز آگاهی پیدامیکند یقیناً همه مردم شب روز را در خوف و هراس سپری میکنند، و از تمام مخالفت‌های قانونی و اعمال زشت دست بردار خواهند شد.

[پس آن خدایی که از تمام ذره های روی زمین و ماهیان عمق دریا و مور های داخل زمین آگاهی دارد و می بیند، چرآنسان ها بویژه مامسلمانها از معصیت و نافرمانی الله ﷻ دست نکشیم و اطاعت و خداترسی را در تمام امور زندگی مان پیشه قرار ندهیم!].

هدف از آفرینش مخلوقات

الله ﷻ در قرآن کریم بیان نموده است که هدف از آفرینش مخلوقات همانا امتحان و آزمایش آنها است، چنانکه میفرماید: {وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا} "و اوست آن ذاتیکه آسمانها و زمین را درشش روز آفرید و عرش [خداوند] بر آب قرار داشت [و این آفرینش بزرگ شگفت رابدین خاطر ساخت] تا شمارا بیازماید که کدام یک از شما عمل نیکوتر میکند".

و همچنین میفرماید: {الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ} ^۲ "و همان ذات (الله) مرگ و زندگی را آفرید تا شمارا بیازماید که عمل کدام تان بهتری و نیکوتر است و او غالب و آمرزگار است".

[الله متعال در آیه فوق اهمیت و ارزش والای عمل صالح و شایسته را بیان نموده است] ازین جهت فرمود « اَیْکُمْ اَکْثَرُ عَمَلًا » یعنی عمل کدام یک از شما

۱- سورة هود آیه ۷

۲- سورة الملک آیه ۲

بیشتر است بلکه فرمود: { اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا } یعنی عمل کدام یک از شما بهتر و نیکوتر است.

و این دو آیه مراد و مقصد این قول الله ﷻ را توضیح میدهد: { وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }^۱ "و نیافریده ام جن و انس را مگر برای اینکه مرا پرستند".
و چون حکمت از آفرینش انسانها و جنها آزمایش و امتحان بود جبریل علیه السلام به امر خداوند خواست تا طریق کامیابی را برای مردم بیان کند که چگونه در امتحان کامیاب شوند.

باری جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد [و جلوشان نشست] سپس در ضمن سوالاتش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: مرا از [مرتبه] احسان خبر ده؟ یعنی از آن چیزیکه مخلوقات بخاطر آزمایش و امتحان در مورد آن آفریده شده اند. پیامبر صلی الله علیه وسلم برای جبریل پاسخ داده فرمودند: (هو أن تعبد الله كأنك تراه فإن لم تكن تراه فإنه يراك)^۲
"خداوند را طوری عبادت کنی که گویا تو او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی پس یقین داشته باش که او تعالی ترا می بیند".

بدین سبب هیچ صفحه از قرآن را نمی بینید مگر اینکه [نمونه] این واعظ بزرگی [قلبی] را در می یابید. چنانکه الله ﷻ میفرماید: { وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ }^۳ { وَمَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ }^۳

۱- سورة الذاریات آیه ۵۶

۲- متفق علیه کتاب الإیمان از ابی هریره ؓ

۳- سورة ق آیه ۱۶- ۱۸

"به راستی ما انسان را آفریده ایم و میدانیم که نفس او به او چه وسوسه می کند" "هیچ سخنی را به زبان در نمی آورد مگر این که او نگهبان حاضر و ناظر است (دو فرشته نگهبان)"^۱

و همچنین فرمود: {وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَغْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ}.^۲
 "و نمی باشی (ای پیامبر) در هیچ شغلی و نمی خوانی هیچ آیه ای از قرآن را که از سوی باری تعالی آمده و شما (ای مؤمنان) هیچ عملی نمی کنید مگر اینکه ما بر شما گواهییم آنگاه که بدان مبادرت می ورزید، و هم وزن ذره ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر چیزی نیست، مگر اینکه در کتاب روشن (لوح محفوظ) نوشته شده است (پس چگونه از او پنهان میماند؟!)"

و نیز خداوند متعال میفرماید: {إِلَّا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ}.^۳ "آگاه باش - کافران - سینه های خود را - از پیامبر - می پیچند، تا از او پنهان شوند، آگاه باش آنگاه که آنها جامه های شان را بر سر میکشند، میدانند [که خداوند] آنچه را پنهان میدارند و آنچه را آشکار میکنند - هیچ سودی نمی برند - چرا که او دانای راز سینه هاست".

۴- یعنی (کراما کاتبین).

۵- سوره یونس آیه ۶۱

۱- سوره هود آیه ۵

۲- یعنی روی برمی گردانند.

و همچون آیات [حاضر و ناظر بودن الله ﷻ بر همه اعمال و حرکات انسان] در همه مواضع قرآن کریم آمده است.

مسئله سوم: فرق میان عمل نیک و غیر آن:

بدون شک قرآن کریم عمل نیک [و شروط قبولیت آنرا] بیان نموده است. عمل نیک و صالح آنست که در آن سه امور [و شروط] موجود باشد، و هرگاه یکی آن مختل و مفقود گردد پس آن عمل برای صاحبش در روز قیامت هیچ فایده ای نمیرساند. شروط قبول عمل و عبادت:

شرط اول: عمل بنده باید با سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم موافق باشد.^۱

زیرا خداوند متعال میفرماید: {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} ^۲

"و هرچه پیامبر به شما بدهد آنرا بگیرید و هرچه شمارا از آن منع کند پس از آن بازایستید و از الله بترسید بی گمان خداوند عقوبت سختی دارد".

۳- بخاری در کتاب الصلح [۲۶۹۷] و مسلم در کتاب الأقضية [۱۷۱۸] به روایت عائشة رضی الله عنها آورده است که نبی کریم علیه الصلاة والسلام فرموده اند: «من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهورد». "کسیکه در دین ما چیزی ایجاد کند که در دین ما نباشد - پس آن چیز نوپیدا - مردود و باطل است". و در روایتی نزد مسلم آمده است: «من عمل عملا لیس علیه امرنا فهو رد» یعنی "کسیکه کاری را انجام دهد که بر آن [جواز و مشروعیت] امر و فرمان ما نباشد پس - آن عمل - مردود است".

فائده: این دو حدیث بر این دلالت دارد که هر چیز نوپیدا در دین گمراهی بوده و مردود میباشد یعنی بدعت و نوآوری در عبادات و اعتقادات حرام و ناجائز است. و کسیکه بدعت را به بدعت حسن و سیئه تقسیم میکند به خطا رفته و به این فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم مخالفت کرده است «کل بدعة ضلالة» یعنی "هر بدعت و چیز نو پیدا در دین گمراهی است". زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم همه انواع بدعتها را گمراهی شمرده است، در حالیکه چنین شخصی میگوید: همه بدعتها گمراهی نیست بلکه بعضی انواع آن مستحسن و خوب است. نگاه: کتاب التوحید از شیخ صالح الفوزان.

توجه: بیشتر کسانی که به اعمال بدعتی و رواج های خلاف شریعت مبتلا هستند به ذات و ماهیت آن عمل نگاه میکنند، و چون عقل ایشان در ظاهر، آن عمل را مستحسن و خوب جلوه میدهد پس آنرا کار ثواب می پندارند؛ و غور و فکر نمی کنند که آیا این عمل از پیامبر صلی الله علیه و سلم و یا صحابه کرام ثابت است یا نه؟ این حقیقت را باید دانست که هر عملی بخاطر ثواب انجام داده میشود باید از پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه کرام ثابت باشد در غیر آن، بدعت و گمراهی است. باید در نظر داشت اینکه در تحسین و تقبیح اعمال [یعنی کاری را خوب و بد پنداشتن] صرف عقل کفایت نمیکند؛ زیرا عبادات و اعمالی که بر آن ثواب مرتب میشود، توقیفی است و اثبات امور توقیفی به دلیل نقلی نیاز دارد، نه به تحسین عقل و مزاج انسانها «مترجم».

۱- سورة الحشر آیه ۷

وَنِيْزَ اللّٰهُ ﷻ مِيْفرماید: {قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ} "بگو [ای پیامبر] اگر شما الله را دوست میدارید پس از من پیروی کنید تا الله تعالی شما را دوست بدارد و گناهان تان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است".

وَنِيْزَ اللّٰهُ ﷻ مِيْفرماید: {اَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّيْنِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللّٰهُ}. "یا مگر برای آنان (کافران) شریکانی است که برایشان آنچه را خداوند بدان اجازه نداده - ازدین - مقرر کرده اند".

وهمچنین خداوند میفرماید: {قُلْ اَللّٰهُ اٰذَنَ لَكُمْ اَمْ عَلٰی اللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ}. "بگو: [ای پیامبر] آیا الله تعالی به شما اجازه داده است [که کارهای خلاف شریعت میکنید] یا اینکه برالله دروغ می بندید".

شرط دوم: هر عملی که انسان [در دائرۀ عبادت] انجام میدهد باید خالص برای رضا و خشنودی الله متعال باشد، طوریکه الله ﷻ خودش میفرماید: {وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ}

"و دستور داده نشده اند آنها مگر اینکه الله را پرستش کنند درحالیکه دین را برای او خالص گردانیده و حنفا باشند - فقط به دین اسلام مایل باشند -".

وهمچنین میفرماید: {قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ، قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ} قُلِ اللّٰهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِيْنِيْ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ

۲- سورة آل عمران آیه ۳۱

۳- سورة الشوری آیه ۲۱

۴- سورة یونس آیه ۵۹

۵- سورة البینة آیه ۵

۶- سورة الزمر آیه ۱۱- ۱۵

" بگو (ای محمد) همانا به من فرمان داده شده که الله را - درحالی که دین را برای او خالص ساخته ام - بپرستم و به من دستور داده شده است که نخستین مسلمانان «منقاد به اوامر الله متعال» باشم. بگو (ای محمد) اگر من از اوامر پروردگارم سرکشی کنم از عذاب روز بزرگ [قیامت] میترسم، بگو: الله را میپرستم درحالی که دینم را برای او خالص می گردانم، اما شما هر چه و هر که را می خواهید غیر از الله عبادت کنید."

شرط سوم: عمل باید مبتنی و استوار بر عقیده صحیح باشد، زیرا عمل بمنزله سقف، و عقیده بمنزله پایه و ستون است، چنانکه الله ﷻ میفرماید: {وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا}¹

"و هر کس کارهای شایسته کند درحالی که مؤمن باشد پس وی نه از ستمی میترسد و نه از نقصانی". خداوند متعال در آیات مذکور برای قبولیت عمل انسان، ایمان [عقیده صحیح] را شرط قرار داده است، اما در مورد غیر مؤمن [کافر] میفرماید: {وَقَدْ مَنَّا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا}²

"و به هر گونه کاری که کرده اند می پردازیم سپس آن را - مانند ذره ها و غبار پراکنده ساختیم" [یعنی ایشان را از اجر و پاداش آن محروم میکنیم، چرا که نداشتن ایمان موجب محو و نابودی احسان و بی اعتبار شدن اعمال خوب انسان میگردد].

و نیز خداوند میفرماید: {أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ}³

"آنان کسانی اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند، و آنچه در دنیا انجام میدهند ضایع و هدر میرود، و کارهای شان باطل و بی سود میگردد".

۱- سوره طه آیه ۱۱۲

۲- سوره الفرقان آیه ۲۳

۳- سوره هود آیه ۱۶

به این معنی در قرآن کریم آیات زیادی آمده است.
مسئله چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی: [حکم و فیصله کردن به غیر شریعت اسلامی]

قرآن کریم صراحتاً بیان نموده است که حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی کفر صریح و آشکار و شرک و رزیدن به الله ﷻ است.

هنگامیکه شیطان در دل های کفار مکّه و سوسه انداخت تا از پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد حیوانات خود مرده سؤال کنند که آنها را چه کسی میرانده است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب فرمودند: «الله قتلها» یعنی آنرا [حیوان] را الله ﷻ میرانده است. سپس باری دیگری شیطان به آنها القاء کرد که به پیامبر صلی الله علیه و سلم بگویند: آنچه که شما بدست هایتان ذبح میکنید حلال است و آنچه را که الله تعالی بدست مبارکش ذبح میکند او حرام است؟ پس شما [العیاذ بالله] از خدا بهتراید، همان بود که الله ﷻ آیه ذیل را فرو فرستاد: {وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ}²

"یقیناً شیطان ها به سوی دوستان خویش و سوسه القاء میکنند تا باشما خصومت کنند و اگر فرمانبرداری ایشان را کنید بدون تردید شما هم مشرک هستید"

و داخل نشدن [فاء جزائیه] بر جمله «إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» قرینه و دلیل ظاهر است به مقدر بودن لام قسم یعنی الله متعال در این آیه کریمه سوگند یاد کرده هر کسی که شیطان را در قانون گذاری و در حلال شمردن میتة [خود مرده] اطاعت و فرمان برداری کند او مشرک است، و این شرک اکبر است که صاحبش رابه اجماع و اتفاق مسلمانها از ملت اسلام خارج ساخته و در روز قیامت چنین شخص را الله ﷻ جزای

۱- ابوداود کتاب الاضاحی ح [۲۸۱۸] و ترمذی کتاب التفسیر ح [۳۰۶۹] و نسائی کتاب الضحایا ح [۴۴۳۷]

۲- سورة الأنعام آیه ۱۲۱

مناسب میدهد. چنانکه الله ﷻ میفرماید: {أَلَمْ أُعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ - وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ}¹

"ای فرزندان آدم! آیا به سوی شما حکم نفرستاده بودم که شیطان را پرستش نکنید، یقیناً او برای شما دشمن آشکاراست، و- آیا به شما دستور نداده بودم- که مرا پرستش کنید این راه راست است"²

و نیز در مورد خلیلش ابراهیم ﷺ میفرماید: {يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا}³

"پدر جان! شیطان را عبادت مکن، هرآینه شیطان عصیانگر خدای رحمن است" یعنی در قانون گذاری و در تجویز کفر و نافرمانی الله ﷻ از شیطان پیروی مکن.

و نیز میفرماید: {إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا}⁴
 "مشرکان به جای خدا جزیبتهای مادینه را نمیپرستند، و نمی پرستند مگر شیطان متمرّد و سرکش را" یعنی مقصود از پرستش و پیروی شیطان: اطاعت و فرمانبرداری از وی در قانون گذاری و در تحلیل و تحریم است. و نیز خداوند ﷻ میفرماید: {وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِئِذَا دُعُوا}⁵
 "و اینگونه شرکای ایشان در نظر بسیاری از آنان قتل اولاد شان را آراسته کرده است تا آنان را هلاک کنند". در این آیت الله ﷻ معبود و پیشوایان مشرکین را بنام شرکاء [یعنی شریک] یاد کرده است بخاطریکه مشرک ها در اطاعت و پیروی از آنها —

۳- سورة يس آية ۶۰-۶۱

۴- باید دانست که یکی از مقتضیات ایمان به الله تعالی و عبادت او تعالی، منقاد شدن و گردن نهادن به حکم وی، و خشنودی و رضا به شریعتش و رجوع به کتابش و سنت پیامبرش صلی الله علیه و سلم در وقت وقوع اختلاف در اقوال و دعواها و کشمکشهاییکه بر سر خونها و معاملات صورت میگیرد میباشد، زیرا حکم و فرمان از آن ذات واحد لا شریک است، پس بر فرمانروایان و حاکمان واجب است که احکام خدا را نافذ و تطبیق کنند و بر رعیت واجب است در همه معاملات به قرآن و سنت رجوع کنند. کتاب التوحید صالح الفوزان

۵- سورة مريم آية ۴۴

۶- سورة النساء آية ۱۱۷

۱- سورة الأنعام آية ۱۳۷

اولاد شان را [مخصوصاً دخترهارا] کشته و از حکم الله ﷻ مخالفت و سرکشی کرده اند .

زمانیکه عدی بن حاتم رضی الله عنه به اسلام مشرف شد [قبلاً مسیحی بود] آیه ذیل را از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید: {اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ} ^۱ " آنها [اهل کتاب] پیشوایان مذهبی [علماء] و درویشان [زاهدان] شان را به جای خدا به پروردگاری و ربوبیت گرفته اند ". [عدی بن حاتم رضی الله عنه فرمود: ماکه آنها را عبادت نمی کردیم!] پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: " آیا این چنین نبود که آنها نعمات حلال خداوند را حرام قرار میدادند و شما نیز آنرا حرام می پنداشتید، به همین ترتیب آنها چیزی حرام را حلال قرار میدادند و شما هم قبول میکردید؟ عدی رضی الله عنه فرمود: آری این حقیقت است، ما آنگونه میکردیم. ^۲ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: همین کار شما عبادت و پرستش آنان بوده است ^۳ ". و درین مسئله هیچ شک نیست که اهل کتاب در قانون گذاری و حلال و حرام قرار دادن، از پیشوایان مذهبی و علمای شان اطاعت و پیروی می کردند، چنانکه خداوند جلّ جلاله میفرماید: {الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيداً} ^۴

" ای پیامبر! آیا ندیدی کسانی را که گمان میکنند آنچه به سوی تو نازل کرده شده و به آنچه پیش از تو نازل کرده شده ایمان آورده اند می خواهند که داوری خویش را به سوی طاغوت ببرند؟ حال آنکه به ایشان فرمان داده شده است که بدان

۲- سورة التوبة آیه ۳۱

۳- یعنی عبادت صرف این نیست که به آنها رکوع و سجده صورت گیرد، بلکه قبول کردن امر و حکم کسی در مقابل حکم الله و رسول عبادت اوست.

۴- ترمذی کتاب تفسیر القرآن شماره حدیث [۳۰۹۵]

۵- سورة النساء آیه ۶۰

کفرورزند و شیطان میخواهد که ایشان رابه گمراهی دورودرازی بکشاند "[دورازراه حق و حقیقت].

و نیز میفرماید: {وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ} ^۱
"و هر که حکم نکند به آنچه الله متعال نازل کرده است، پس ایشان خود کافرانند"
و همچنین میفرماید: {أَفَغَيْرَ اللَّهِ أُبْتَغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ} ^۲

" بگو: [ای پیامبر] آیا داوری و فیصله کننده ای به جز خدا طلب کنم؟ با اینکه اوست که این کتاب رابه سوی شما واضح شده فرو فرستاد، و کسانی که ایشان را کتاب داده ایم - اهل کتاب - میدانند که قرآن از جانب پروردگارتو برآستی فرو فرستاده شده است پس از تردید کننده گان مباش."

و نیز خداوند عزوجل میفرماید: {أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ} ^۳

"آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ برای قومیکه یقین دارند داوری چه کسی از الله بهتر است؟"

مسئله پنجم: احوال مجتمع:

یقیناً قرآن کریم باتعالیم روشن و زلال خود هر نوع نیازمندی و تشنگی مجتمع را رفع نموده، و راه کامیابی را برای مردم واضح و روشن ساخته است. اسلام مسؤول و زمامدار بزرگ را دستور میدهد تا در برابری و افراد مجتمع برخورد

۶- سورة المائدة آیه ۴۴

۱- سورة الأنعام آیه ۱۱۴

۲- سورة المائدة آیه ۵۰

خوب و نرم داشته باشد، چنانکه الله ﷻ میفرماید: {وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ} ^۱

"و برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بال خود را فرو گستر" (گرامی شان بدار و از آنان در گذر). و همچنین میفرماید:

{فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ} ^۲

"پس بسبب رحمت و مهربانی از جانب الله ﷻ برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی و سخت دل میبودی از دور و بر تو پراکنده میشدند پس از ایشان در گذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت کن"

و همچنین رعیت و افراد جامعه را دستور داده است که از اطاعت حکام و مسئولین امور مسلمانها دست نکشند. الله ﷻ میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ} ^۳

"ای مؤمنان! الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و مسئولین اموری را که از خود شما هستند اطاعت کنید". همچنین خداوند رئیس خانواده را در برابر زن و فرزندان و مسئول قرارداد و او را دستور میدهد که مسئولیت خود را در قبال آنها اداء نماید. چنانکه میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} ^۴ "ای مؤمنان خویشتن و اهل خانه خود را از آتش و دوزخی نگهدارید که هیزم آن انسانها و سنگها است بر آن آتش فرشتگان درشت خوی

۳- سورة الشعراء آیه ۲۱۵

۴- سورة آل عمران آیه ۱۵۹

۵- سورة النساء آیه ۵۹

۱- سورة التحريم آیه ۶

سختگیر گمارده شده اند، از الله ﷻ در آنچه دستورشان داده است نافرمانی نمیکنند، و هر چه به آنان فرمان داده میشود انجام میدهند"

و همچنین شما ببینید که قرآن کریم چگونه انسان را در مورد مجتمع کوچک [خانواده] متوجه نموده و آنرا به احتیاط و هوشیاری متوجه میسازد و دستور میدهد که بعد از سعی و تلاش در مورد تربیب و اصلاح آنها، اگر به کاری نامناسبی مطلع شود باید عفو و درگذری را پیشه کند. چنانکه خداوند ﷻ میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}¹

"ای مؤمنان! در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمااند؛ پس از ایشان حذر کنید و اگر عفو کنید و درگذرید و بیامرزید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است" و همچنین افراد مجتمع را دستور میدهد که بایکدیگر معامله و برخورد خوب و اخلاق نیک داشته باشند. چنانکه الله ﷻ میفرماید: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}²

"یقیناً خداوند به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان امر میکند، و از بی حیائی و کارناپسند و تجاوز باز میدارد، به شما پند میدهد تا باشد که پند گیرید."

و نیز خداوند میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا}³ ای مؤمنان! از بسیاری از گمانها پرهیزید هر آینه بعضی از گمانها گناه

۲- سورة التغابن آیه ۱۴

۳- سورة النحل آیه ۹۰

۴- سورة الحجرات آیه ۱۲

است و تجسس نکنید و بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را باشد بخورد؟"

و همچنین میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئسَ الاسمُ الفسوقُ بعدَ الإيمانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ}¹

"ای مسلمانان! نباید قومی قوم دیگری را به ریشخند کند شاید آنها از ایشان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را به تمسخر گیرند شاید که آنان از ایشان بهتر باشند، و در میان خویش عیب جویی نکنید و همدیگر را به لقب های بد نخوانید، چه ناپسندیده است فسوق بعد از ایمان، و هر که توبه نکرد پس آن گروه ایشانند ستمگاران."

و همچنین خداوند میفرماید: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ}² و یکدیگر را بر نیکی کاری و پرهیزگاری مدد کنید، و برگناه و ستم بایکدیگر همکاری نکنید"³ و این یک امر طبیعی است کسیکه در میان مجتمع و توده انسانها زندگی میکند از دشمنی و اذیت دشمنان انسی و جنی سالم نمی ماند، طوری که شاعر میگوید:

ليس يخلو المرء من ضد ولو حاول العزلة في رأس الجبل

"هیچ انسان از مخالفت دشمن سالم نمی ماند، اگر چه سعی نماید که بر فراز کوه تنها زندگی کند" و چون هر فرد از افراد بشر به معالجه این مرض و فاجعه بزرگ

۱- سورة الحجرات آیه ۱۱

۲- سورة المائدة آیه ۲

۳- از آیات مذکور واضح میگردد که همه انسانها در آفرینش شان از یک اصل و جوهر اند، و کسی بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد مگر به تقوا، و همه باهم برادر اند، پس باید به کمک و همکاری یکدیگر بپردازند.

نیاز دارد ازین جهت الله ﷻ علاج این مرض را درسه مواضع بیان نموده که علاج ودوای دشمنی و عداوت انسانها همانا اعراض و چشم پوشی از اذیت جانب مقابل و همواره احسان و نیکی کردن به وی است. و اما علاج وسوسه شیطان جنی پناه بردن به الله ﷻ از شرش میباشد.

موضع اول: الله ﷻ میفرماید: {خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ} ^۱
 "عفوراپیشه کن و به کارپسندیده و نیک دستوریده، وازنادانان روی بگردان"
 ودرمورد شیطان جنی میفرماید: {وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} ^۲

"و اگر از شیطان وسوسه ای به تورسد به خداپناه برزیرا که اوشنوی داناست."
موضع دوم: خداوند ﷻ میفرماید: {ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَكْثَرُ عِلْمًا بِمَا يَصِفُونَ} ^۳

"بدی رابه شیوه که نیکوتر است دفع کن، مابه آنچه وصف میکنند داناتریم."
 وهمچنین الله ﷻ میفرماید: {وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ} ^۴
 "وبگو[ای محمد] پروردگارا! من از وسوسه های شیطان ها به توپناه میبرم، وای پروردگارم ازاینکه پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم".

موضع سوم: خداوند ﷻ با صراحت تام بیان داشته است که این علاج آسمانی تمام آن وسوسه ها و بیماری های شیطانی را از بیخ و بن قطع میکند، ولی این

۴- سورة الأعراف آیه ۱۹۹

۵- سورة الأعراف آیه ۲۰۰

۱- سورة المؤمنون آیه ۹۶

۲- سورة المؤمنون آیه ۹۷-۹۸

علاج ربانی برای همهٔ انسانها میسر نخواهد شد، بلکه برای آنانی داده خواهد شد که [از صفت صبر و شکیبائی برخوردار بوده] و صاحبان مقام رفیع و نصیب بزرگ نزد خدا جلّی هستند. چنانکه الله جلّی میفرماید: {وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَاَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ، وَمَا یُلْقَاهَا اِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَمَا یُلْقَاهَا اِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ} ^۱

"نیکی و بدی یکسان نیست، (بدی بدکار را) به شیوه ای که آن بهتراست دفع کن. بناگاه کسی که میان تو و میان اودشمنی است، گویی دوست صمیمی است، به این خوی و شیوه نایل نمیشود مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمیرسد مگر کسانی که بهره بزرگی (از خیر و کسب سعادت) داشته باشند."

و در جاهای متعددی قرآن کریم بیان نموده است که این نرمش و فروتنی مخصوص برای مسلمانها می باشد نه برای کافران، چنانکه الله جلّی میفرماید: {فَسَوْفَ یَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ یُّحِبُّهُمْ وَیُحِبُّوْنَهُ اُذْلَیْهِ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ اَعَزُّ عَلَی الْكَافِرِیْنَ} ^۲

"پس به زودی خداوند قومی را به عرصه می آورد که ایشان را دوست میدارد و آنان هم خدا را دوست میدارند، بر مؤمنان متواضع اند و بر کافران درشت خوی اند."

و نیز الله جلّی میفرماید: {مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّهِ وَالَّذِیْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلَی الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ} ^۳

"محمد صیامبر خداست و آنانی که با اویند بر کافران سختگیر، در میان خود مهربان اند."

۳- سورة فصلت آیه ۳۴- ۳۵

۴- سورة المائدة آیه ۵۴

۵- سورة الفتح آیه ۲۹

[نباید درهمه احوال از سختی و یا از نرمی کارگرفت، زیرا برای هریکی موقع مناسبی است] سختگیری در جای نرمی حماقت و سبک مغزیست، و نرمی در محل سختی ناتوانی و تنبلیست، طوریکه شاعر گفته:

إذا قیل حلم قل فلهلحلم موضع وحلم الفتی فی غیر موضعه جهل
"چون از بردباری سخن بزنند بگو که برای بردباری جای خاصی است،
و بردباری و تحمل پذیری جوان در غیر محلش نادانی است.

مسئله ششم: مسئله اقتصاد:

قرآن کریم اصول و قواعدی که مشتمل بر همه فروع و جزئیات اقتصاد است به خوبی بیان داشته است، و جمله مسائل اقتصاد زیردواصل وقاعده بزرگ داخل است:-

۱- دقت نظرسنجش در کسب کردن مال.

۲- حسن تصرف و اندیشه صحیح در خرج نمودن اموال در جاهای مشروع و برای مستحقین آن.

شما ببینید که الله ﷻ چگونه طریق و راه های کسب مال را در روشنی اسباب و وسائلی که موافق با موازین اخلاق و کرامت انسانی و شریعت اسلام است باز نموده است، چنانکه میفرماید: {فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}¹

"و چون نماز گزارده شد متفرق در زمین پراگنده شوید و از فضل خدا طلب کنید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید."

و نیز الله ﷻ میفرماید: {لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ}²

۱- سورة الجمعة آیه ۱۰

۲- سورة البقره آیه ۱۹۸

"بر شما گناهی نیست که در طلب روزی پروردگار خویش برآیید"
 الله ﷻ در انفاق و خرج کردن مال به اعتدال و میانه روی امر نموده است، چنانکه
 میفرماید: {وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ
 مَلُومًا مَّحْسُورًا}¹

"و دست خود را بر گردن خویش نبند [یعنی از کمک به دیگران خود داری مکن
 و بخیل مباش] و بسیار هم گشاده دستی نکن [یعنی بذل و بخشش بی حساب مکن
 و اسراف موز] که آنگاه ملامت شده و حسرت زده برجای بنشینی".
 و نیز خداوند ﷻ میفرماید: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ
 ذَلِكَ قَوَامًا}²

"و (بندگان رحمن) کسانی اند که چون انفاق کنند، نه اسراف میکنند، و نه بخل می
 ورزند، و شیوه شان در میان این دو حد (یعنی اسراف و بخل) وسط است" (میانه
 روی و اعتدال را رعایت میکنند).

و از مصرف نمودن اموال در راه حرام منع کرده میفرماید: {فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ
 عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ}³
 "پس زود باشد که آنرا خرج کنند، باز - فرجام - آن خرج کردن حسرتی برایشان
 باشد، سپس مغلوب می شوند".

مسئله هفتم: سیاست:

قرآن کریم اصول و قواعد سیاست را نیز بیان نموده است، و صورت های بارز آنرا را
 روشن ساخته، و راه های آنرا واضح نموده است.

۳- سورة الإسراء آیه ۲۹

۱- سورة الفرقان آیه ۶۷

۲- سورة الأنفال آیه ۳۶

کلمه سیاست مصدر - ساس یسوس - بمعنای تدبیر و تنظیم امور دولت است که به دو بخش تقسیم میشود:

۱- سیاست خارجی .

۲- سیاست داخلی .

اما امور سیاست خارجی بر دو اصل و اساس استوار است:

اصل اول: ایجاد یک قوت و نیروی کافی و بسنده برای نابود ساختن دشمن تجاوزگر، چنانکه خداوند عز و جل میفرماید: {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ} ^۱

"و-ای مسلمانان در مبارزه- هرچه در توان دارید برای آنان از قوه مهیا سازید و از اسبان آماده سازید تا با این -آمادگی ها- دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید."

اصل دوم: تلاش در راه وحدت و یکپارچگی امت اسلامی بشکل درست و فراگیر، تا در اطراف این نیرو گرد آیند، چنانکه الله عز و جل میفرماید: {وَاغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} ^۲

"وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید، و پراکنده نشوید."

و نیز میفرماید: {وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ} ^۳

"و بایکدیگر اختلاف نکنید که در این صورت سست و بزدل میشوید و شأ ن و شوکتتان از بین میرود."

و همچنین قرآن کریم مسائل صلح و آشتی با کفار، و وفا به عهد و پیمان شان را در وقت ضرورت بیان داشته است، الله عز و جل میفرماید: {إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ

۳- سورة الأنفال آیه ۶۰

۴- سورة آل عمران آیه ۱۰۳

۵- سورة الأنفال آیه ۴۶

الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ
إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ^۱

"مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید و چیزی از تعهدات خود رانسبت به
شما فروگذار نکرده اند- نقض نکرده اند و علیه شما هیچ کسی را یاری نداده اند
پس پیمان ایشان را- تا پایان مدت زمانی که تعیین کرده اند- تمام کنید، چرا که
خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد."

و نیز میفرماید: {وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْخَائِنِينَ^۲}

"و اگر از گروهی بیم خیانت داری پس به سوی آنان -عهد ایشان را- به
طور برابر بازگردان."

و نیز میفرماید: {وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ
مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ^۳}

"این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر^۴ که
خدا، و پیامبرش نیز از مشرکان بیزاراند."

و همچنین الله ﷻ مسلمانان را دستور داده است که از مکر و حیلۀ کفار بر حذر و محتاط
باشند [زیرا آنها استفاده جو و همیشه در انتظار فرصت ها میباشند تا بر مسلمانها
خساره و ضربه وارد کنند] چنانکه الله ﷻ میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا
حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا^۵}

۱- سورة التوبة آية ۴

۲- سورة الأنفال آية ۵۸

۳- سورة التوبة آية ۳

۴- مراد از حج اکبر روز عید قربان است که اکثر اعمال حج در این روز انجام میگردد، نه اینکه روز عرفه،
طوری که اکثر عوام الناس گمان دارند که اگر روز عرفه و جمعه در یک روز جمع شود، حج اکبر است. این آیه
یک سال قبل از حج پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شده است «مترجم».

۵- سورة النساء آية ۷۱

"ای کسانی که ایمان آورده اید - در برابر دشمن - بر حذر باشید - و برای مقابله با دشمن بپاخیزید - پس رهسپار شوید، دسته دسته بیرون روید یا بطور دسته جمعی - بسوی جنگ روید."

و نیز میفرماید: { وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً }^۱
 "و باید که بگیرند احتیاط خود را و اسلحه خود را بگیرند، کافران دوست دارند که از اسلحه و ساز و برگ خویش غافل شوید پس بر شما یکباره حمله کنند."

و اما سیاست داخلی: به نکات ذیل خلاصه میشود:

ایجاد و گسترش امنیت، برقراری، ثبات و اطمینان در مجتمع، و رفع ظلم و بی انصافی از رعیت، و رسانیدن حقوق به مستحقین.

سیاست داخلی برشش اصول و قواعد بزرگ استوار است:

اول: حفظ دین: که شریعت به حفظ و نگهداری آن امر نموده است {و از جمله مسؤولیتهای حکومت اسلامی است. بلکه در رأس اولویت های حکومت اسلامی قرارداد {پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم میفرماید: (من بدل دینه فاقتلوه)^۲
 "کسی که دین خود را ترک بکند پس او را بکشید" و کشتن مرتد مانع قوی و نکوهش شدیدی است برای دیگران از تبدیلی و ترک دین اسلام.

دوم: حفظ نفس: بخاطر صیانت و حفاظت نفسها، الله جل و علا در قرآن کریم قصاص را مشروع قرار داده است. {وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي

۱- سورة النساء آیه ۱۰۲

۲- بخاری شماره حدیث [۳۰۱۷]

الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ} ^۱ "وای خردمندان! برای شما در قصاص [مایه] زندگانی است باشد که به تقوای آوریید."

و نیز میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ} ^۲

"ای مسلمانان! بر شما در مورد کشتگان قصاص مقرر شده است."

و همچنین الله ﷻ میفرماید: {وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا} ^۳

"و هر که به ستم کشته شود پس بی گمان وارث وی را سلطه ای داده ایم."

سوم: حفظ عقل: الله ﷻ در قرآن مجید به حفظ و نگهبانی عقل تأکید ورزیده [بخاطر صیانت و حفاظت عقل تناول و نوشیدن مواد مخدره و هر چیزی نشه آور را حرام قرار داده است] و بخاطر حفظ عقل، بر نوشنده چیزهای نشه آور، حد (عقوبت) را واجب قرار داده است.

چنانکه میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} ^۴

"ای مسلمانان! جزاین نیست که شراب و قمار و معبودان باطل و تیرهای قرعه (فال) پلید است و از کردار شیطان است، پس از آن دوری کنید باشد که رستگار شوید."
و پیامبر بزرگوار اسلام محمد ص فرموده اند: [کل مسکر حرام، ما أسکر کثیره فقليله حرام] ^۵

"هر نشه آور - مست کننده - حرام است، آنچه که مقدار زیادش نشه آورد پس مقدار کمش نیز حرام است."

۳- سورة البقره آیه ۱۷۹

۴- سورة البقره آیه ۱۷۸

۵- سورة الإسراء آیه ۳۳

۱- سورة المائدة آیه ۹۰

۲- ابن ماجه شماره حدیث [۳۳۹۲] جزء اول حدیث را بخاری در کتاب المغازی باب بعث ابی موسی و معاذ الی الیمن قبل حجة الوداع (۵/ ۱۰۸) و مسلم حدیث شماره (۲۰۰۱) روایت کرده اند.

چهارم: صیانت نسب [نسلها]

بخاطر صیانت و سالم بودن نسب و نسل انسانها عَلَّاهُ حدّ زنا را مشروع قرار داده است. چنانکه میفرماید: {الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ} ^۱ "زن زنا کننده و مرد زنا کننده هریکی از ایشان را صد درّه [شلاق] بزنید".

پنجم: حفظ آبرو:

بخاطر حفظ و مصونیت آبرو و عزت انسان، عَلَّاهُ در حقّ تهمت زننده هشتاد درّه را مشروع قرار داده است. چنانکه میفرماید: {وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً} ^۲ "و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا میدهند سپس چهار گواه [بر صدق ادعای خود] نمی آورند، بدیشان هشتاد درّه [تازیانه] بزنید".

ششم: حفظ اموال:

برای حفظ وصیانت اموال مسلمین، عَلَّاهُ قطع [بریدن] دست دزد را [هنگام متحقق شدن شرائط دزدی] مشروع گردانیده است. چنانکه میفرماید: {وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءَ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} ^۳ "و مرد دزد و زن دزد؛ دستهایشان را ببرید به کیفر آنچه کرده اند، - این مجازات عبرت انگیز - از طرف خدا است، - پس بر آن اندوهگین نباشید - و خداوند غالب دانا [با حکمت] است".

۳- سورة النور آیه ۲

۴- سورة النور آیه ۴

۵- سورة المائدة آیه ۳۸

پس از آیات مذکور واضح و آشکارا گردید که فرمان برداری و پیروی از احکام قرآن ضامن تمامی سعادت‌ها و مصالح و منافع داخلی و خارجی برای مجتمع اسلامی است.

مسئله هشتم: سیطره کفار بر مسلمانها:

چون صحابه کرام در جنگ احد به مصیبت روبرو شدند و این کاربر آنها دشوار و گران واقع شد، نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم این سؤال را مطرح کردند که یا رسول الله چگونه قوم مشرک و کافر بر ما مسلط شد در حالی که ما بر حق و آنها بر باطل اند؟ پس الله ﷻ به سؤال صحابه کرام پاسخ و فتوی آسمانی^۱ فرود آورد که تمام شبهات و استفهامات را از اذهان آنان زائل نمود. خداوند ﷻ درین مورد میفرماید: {أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ} ^۲

"آیا هنگامی که به شما مصیبتی رسید که دو برابر آن را - در روز بدر دشمن - وارد آورده بودید، گفتید این از کجاست؟ بگو: آن - شکست - از نزد خودتان است."

این مطلب را آیه دیگر بیشتر توضیح میدهد، چنانکه میفرماید: {وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ} ^۳

۱- این اثر را ابن ابی حاتم در تفسیر خود از حسن بصری روایت کرده است.

۲- سوره آل عمران آیه ۱۶۵

۳- سوره آل عمران آیه ۱۲۵

"وهرآینه راست کرد خدا در حق شما وعده خود را، آنگاه به حکم خدا کافران را میکشید، تا وقتی که سست شدید و در امر - پیامبر - با یکدیگر به نزاع پرداختید، و نافرمانی کردید بعد از آنکه عطا نمود به شما آنچه میخواستید، برخی از شما دنیا را میخواست و برخی از شما آخرت را میخواست، آنگاه شمارا از ایشان باز گردانید تا شما را امتحان کند."

الله ﷻ در این فتوای آسمانی بیان نموده که یقیناً انگیزه پیروزی و سیطره کفار بر شما از طرف خود شما بوده که بسبب هراس و اختلاف تان در ترک سنگر و نافرمانی بعضی شما از امر پیامبر ص و حرص و رغبت شما در متاع ناچیز دنیا بود. یعنی آن عده تیراندازی که بر تپه "رماه" بودند؛ وظیفه شان منع یورش کفار از پشت سر بر مسلمانها بود، چون مشرکان در ابتدای جنگ شکست خورده فرار نمودند آنها سنگرها ترک کرده بخاطر مشارکت در جمع مال غنیمت پائین آمدند^۱ [مشرکان از عقب تپه عین که فعلاً بنام جبل رماه مشهور است بر مسلمانها یورش آوردند، و در نتیجه نافرمانی امر پیامبر صلی الله علیه وسلم هفتاد تن از صحابه شهید شدند که از جمله سید الشهداء حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه وسلم است]

مسئله نهم: ناتوانی مسلمانها در مقابله با کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی:

الله ﷻ علاج و حل این معضله را بصورت واضح بیان نموده است که همانا صدق و اخلاص است. اگر الله ﷻ از بنده هایش اخلاص و صدق را ببیند، البته آنها را نصرت بخشیده در نتیجه دشمنان قوی و نیرومند را مقهور و مغلوب خواهند ساخت، و چون

۱ - بخاری در کتاب الجهاد باب ما یکره من التنازع والاختلاف فی الحرب و عقوبة من عصی (۲۶/۴) از براء بن عازب روایت کرده است .

یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامیکه در موقع بیعه الرضوان از خود اخلاص و صداقت نشان دادند، در نتیجه این اخلاص، الله متعال آنها را ستود و برایشان نصرت و پیروزی را وعده داد. چنانکه میفرماید: {لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ} ^۱

"یقیناً خداوند از مؤمنان راضی گردید هنگامی که در زیر درخت با توبیعت می کردند، و خداوند دانست آنچه را که در دلهایشان [از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام] نهفته بود، لذا اطمینان خاطر بردل هایشان فرود آورد، و فتح نزدیکی به آنان پاداش داد."

و همچنین خداوند ﷻ فرمود: {وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا} ^۲ "و فتوحات دیگری نیز وعده داده که هنوز به آنها دست نیافته اید."

در آیه مذکور خداوند ﷻ به کمال وضاحت بیان داشته که آنها به این غنائم قادر نبودند و لکن فضل و رحمت خداوند متعال است که برای شان نیرو و قدرت بخشید و آنها را در مواقع مختلف به اخذ غنائم قادر و فائز گردانید، و این همانا نتیجه اخلاص و صداقت آنها بود؛ زیرا الله متعال از دلهای آنان آگاه بود.

همچنان کفار در غزوۀ احزاب مسلمانها را از همه جوانب محاصره شدیدی کردند طوری که خداوند در این مورد میفرماید: {إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا} ^۳

"[بیاد آرید] زمانی که دشمنان از فرازتان و پائین تان به سراغ شما آمدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشمها [از شدت دهشت] برگشت و دلها به گلوگاه رسید و نسبت به خداوند گمانهای میکردید". و یگانه راه نجات از این

۲- سورة الفتح آیه ۱۸

۳- سورة الفتح آیه ۲۱

۱- سورة الأحزاب آیه ۱۰

کمزوری و ناتوانی و محاصره، همانا اخلاص، صداقت و قوت ایمان به الله تعالی بود که درآیه ذیل خداوند یاد آور شده است: {وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا}¹
 "و چون مسلمانان لشکر کافران را دیدند گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و رسول او راست گفتند و این - ماجرا - در حق ایشان نیفزود مگر ایمان و گردن نهادن را".

نتایج صداقت و اخلاص را الله ﷻ درآیه ذیل نیز ذکر نموده است چنانکه میفرماید: {وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا، وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا، وَأُورَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّأُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا}²
 "و خداوند کافران را به خشم بازگردانید هیچ خیر و منفعتی نیافتند، و خداوند مسلمانان را در کار جنگ کفایت کرد، و خداوند توانای غالب است و آنانیکه این لشکرها را مدد کرده بودند از اهل کتاب از قلعه هایشان فرود آورد [بنی قریظه] و در دل‌های ایشان خوف افکند طائفه را میکشتید و طائفه را اسیر میگرفتید و عاقبت کار: زمین ایشان و خانه های ایشان و مال های ایشان را به شما داد و نیز عاقبت کار: زمینی را به شما داد که بدان پای نهاده بودید، خداوند بر همه چیز تواناست".

و این نصرت و تأیید خداوندی عبارت از نزول فرشتگان و وزیدن باد تند است و این چیزی بود که مسلمانها در مورد آن یقین داشتند. خداوند ﷻ میفرماید: {يَا

۲- سورة الأحزاب آیه ۲۲
 ۳- سورة الأحزاب آیه ۲۵-۲۶-۲۷

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا^۱

"ای مسلمانان نعمت خدا را بر خویش یاد آرید و قتیکه به سوی شما لشکرها آمدند، پس بر سرشان تندبادی و لشکرهاى که آنها را نمى دیدید فرستادیم، و خداوند به آنچه مىکردید بینابود."

آنچه که گذشت از جمله دلائل و براهین واضحی است که بر صحت و برحق بودن دین اسلام دلالت میکند که اگر گروه کم وضعیف ولی متمسک و پایبند به دین اسلام باشد، برگروه بزرگ و قوی کافران غالب خواهد شد. چنانکه خداوند فرموده: {كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ}^۲

"بساگروه اندک غالب شد برگروه بسیار به اراده خدا، و خداوند با شکیبایان است."

ازین جهت الله ﷻ جنگ بدر را که بر صحت و حقانیت دین اسلام دلالت داشت در آیات ذیل نشانه و حجت آشکار و [فرقان] یعنی فرق کننده میان حق و باطل نامیده است، چنانکه میفرماید: {قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ}^۳

"به تحقیق برای شما نشانه در دو قومی است که [در میدان جنگ بدر] باهم روبرو شدند دسته در راه خدا میجنگید [برای اعلاء کلمه الله و انتشار دین حق میرزمید] و دسته دیگر کافر بود [در راه شیطان و هواء و هوس نبرد میکرد]".

۴- سورة الأحزاب آیه ۹

۱- سورة البقره آیه ۲۴۹

۲- سورة آل عمران آیه ۱۳

و نیز میفرماید: {إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ
الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ^۱

"اگر ایمان آورده اید به خدا و به آنچه بر بنده خود نازل کردیم در روزی که جدا
شد حق از باطل، روزی که آن دو گروه [مؤمنان و کافران] باهم رویاروی
شدند [و باهم جنگیدند] و الله جلّ و علا بر هر چیز توانا است."

و نیز خداوند میفرماید: {لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ
اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ} ^۳

"تا هلاک گردد کسی که هلاک شدنی است بعد از قیام حجت، و زنده بماند کسی که
زنده ماندنی است بعد از قیام حجت، بیگمان الله شنوای داناست."

مراد روز بدر است طوریکه نظریه برخی از محققان است.

بدون تردید که غلبه و پیروزی دسته کم وضعیفی مؤمنان بر جمعی کثیرو قوی
کافران دلیلی آشکار به برحق بودن آنها بوده و مددگاریشان یقیناً الله جلّ و علا است.
چنانکه خداوند پیرامون این مطلب از واقعه جنگ بدر حکایت میفرماید: {وَلَقَدْ
نَصَرَكُمُ اللَّهُ بَدْرَ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} ^۴

"و یقیناً خداوند شما را در بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید پس از خدا
بترسید باشد که شکرگزاری کنید."

و آن گروهی از مسلمانان که الله جلّ و علا به آنها وعده نصرت و پیروزی داده بود، صفات
ایشان را در آیات ذیل بیان نموده و توسط این اوصاف آنها را از دیگران

۳- سورة الأنفال آیه ۴۲

۴- مراد روز بدر است که در سال دوم هجری در هفدهم ماه مبارک رمضان بوقوع پیوست .

۵- سورة الأنفال آیه ۴۲

۱- سورة آل عمران آیه ۱۲۳

ممتاز و جداساخته است، طوریکه میفرماید: {وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ}¹

"و قطعاً خدا کسی را که قصد نصرت وی کند نصرت می دهد زیرا خداوند سخت قوی و غالب است."

و همچنین میفرماید: {الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ}²

"(آن مؤمنانی که خدا برایشان وعده یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که) هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا میدارند و زکات را می پردازند و امر به معروف، و نهی از منکر مینمایند و سرانجام همه کارها به سوی خدا برمیگردد"³

راه های نجات از ناتوانی و ضعف مسلمانها در مقابل کفار که قبلاً به آن اشاره شد یگانه راه حل در مقابل محاصره عسکری دشمن است، اما در مورد نجات از محاصره و تحریم های اقتصادی دشمن علیه امت اسلامی، خداوند در سوره المنافقین به آن اشاره نموده میفرماید: {هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ}⁴

"آنان [منافقان] کسانی هستند که میگویند [یاران خود را]: بر آنانی که نزد رسول خدا هستند [یعنی فقرای مهاجرین] خرج نکنید تا پراگنده شوند - از پیرامون وی -

۲- سوره الحج آیه ۴۰

۳- سوره الحج آیه ۴۱

۴- شاه ولی الله رحمه الله می نگارد: "درین آیت دلالت است بر صحت خلافت خلفاء اربعه زیرا که ایشان از مهاجرین اولین بودند، و متمکن شدند در زمین، پس لازم آید که اقامت صلاة و ایتاء زکات و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان بظهور رسد و تمکین فی الارض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوت" ترجمه فارسی قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱.

۵- سوره المنافقین آیه ۷

و حال آنکه خزانه های آسمانها وزمین از آن خداست، ولیکن منافقان نمی فهمند."

و این راه و روش [یعنی تشویق و ترغیب مردم به انفاق نکردن به فقرای صحابه] که منافقان صدر اسلام خواستند علیه مسلمانها بکاربرند، عین تحریم اقتصادی است که در عصر حاضر دشمنان اسلام بر ضد مسلمانان پیش می گیرند، الله جلّ و علا در آیه ذیل به حل آن اشاره نموده است که همانا نیروی ایمان و صداقت و رجوع به سوی الله جلّ و علا میباشد چنانکه میفرماید: {وَلِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَا يَفْقَهُوْنَ}

" گنجینه های آسمان و زمین از آن خدا است ولیکن منافقان نمیدانند" زیرا کسیکه مالک خزانه های آسمان و زمین باشد، التجاء کنندگان و فرمانبرداران امر خویش را هیچ وقت ضایع و تنها نمی گزارد.

خداوند میفرماید: {وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لّٰهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ} ^۱ "و هر که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خداوند راه نجات و خلاصی را برای او فراهم میسازد، و به او از جایی روزی میدهد که هیچ تصور نمیکرد، هر کسی بر خداوند توکل کند خدا او را کافی است". و نیز میفرماید: {وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيْكُمْ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ} ^۲ "و اگر از فقر و تنگدستی میترسید پس خداوند شما را از فضل خود اگر بخواهد توانگر خواهد ساخت هر آینه خداوند دانای حکیم است".

مسئله دهم: مشکل اختلاف دلها:

۱- سورة الطلاق آیه ۲-۳

۲- سورة التوبة آیه ۲۸

الله ﷻ در سوره حشر بیان کرده است که سبب اختلاف قلبها نبودن عقل و کم خردی است. طوریکه خداوند میفرماید: {تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ}¹

"ایشان راهمه یکجامجتمع شده میپنداری درحالیکه دلهای شان پراکنده است". سپس الله ﷻ علت این اختلاف را بیان نموده است {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ} -- یعنی این بسبب آنست که- ایشان قومی بی شعور هستند".

علاج ضعف عقلی و کم خردی همانا در پیروی از نوروحی نهفته است. زیرا وحی [قرآن و سنت پیامبرص] به سوی مصالحی راهنمود میکند که عقل انسانها از آن قاصر است خداوند میفرماید: {أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}²

"آیا کسیکه مرده بود و ما او را [با اعطای ایمان] زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه می رود همانند کسی است که صفتش این است که در تاریکی ها فرو رفته است و از آن تاریکیها نمیتواند بیرون آید بدین سان برای کافران کار و کردارشان آراسته شده است".

الله ﷻ در آیه مذکور این مطلب را واضح ساخت که نورایمان [دلهای زنگ زده را صیقل نموده] و ضمیرهای مرده را زنده ساخته و راه مستقیم را برایش روشن میسازد تا در پرتو آن راه برود. چنانکه خداوند ﷻ میفرماید: {اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ}³ "الله یاور و کارساز مؤمنان است، آنان را از تاریکیها به سوی نور [حق و اطمینان] بیرون می آورد".

۳- سوره الحشر آیه ۱۴

۴- سوره الأنعام آیه ۱۲۲

۱- سوره البقرة آیه ۲۵۷

همچنین میفرماید: {أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ} ^۱

"پس آیا آن کس که نگونسار راه میرود راهیاب تراست، یا کسیکه ایستاده و درست در راه راست گام برمیدارد".

خلاصه این بحث:

به این ترتیب تمامی مصالح و منافع انسان ها که نظام دنیا بر آن میچرخد، در سه بخش خلاصه میشود:

اول: دفع مفاسد: یعنی: منع و دور نمودن مفسده ها و زیانهای که در نزد علمای اصول فقه به نام ضروریات پنجگانه ^۲ معروف است، ثمره و خلاصه آن همانا دفع کردن ضرر از شش اصولی که قبلاً [در بحث سیاست داخلی] ذکر نمودم، میباشد که عبارت اند: ۱- حفظ دین ۲- حفظ نفس ۳- حفظ عقل ۴- حفظ نسب ۵- حفظ آبرو و ارزشها ۶- حفظ مال

دوم: جلب مصالح: یعنی [فراهم ساختن و بدست آوردن منافع انسانها] که نزد علماء بعنوان حاجیات معروف است که از جمله میتوان بعض فروع و مسائلی که در تحت حاجیات داخل است نامبرد از قبیل: بیوع یعنی خرید و فروش و اجاره و عامه مصالح و [معاملات] مشترک و متبادل بین افراد و توده های جامعه بوجه مشروع.

سوم: آراسته بودن به مکارم اخلاق: یعنی مزین شدن به اخلاق ستوده و رفتار و عمل نمودن به عادات نیک و حسنه که مخالف با شریعت نباشد، که

۲- سورة الملك آیه ۲۲

۳- مراد چیزیکه از فوت آن مصالح و امور امت مختل شده و قوامش از بین میرود.

نزد علمای اصول بنام تحسینیات معروف است، و از جمله فروع و شاخه های جزویی که تحت این باب داخل میباشد از قرار ذیل اند:

۱- خصلت های فطری: همچو: گذاشتن ریش، و کوتاه کردن شارب [موی

های پشت لب بالا]

۲- حرام دانستن چیزهای پلید و ناپاک: [چیزهای که طبیعت انسان از آن

نفرت میکند] و انفاق و خرچ کردن به خویشاوندان فقیر و بی مال. پس تمام مصالح و منافع بشر که در بالا ذکر شد به جز دین اسلام هیچ دین و آئینی دیگری در روی زمین نمیتواند بطور درست و حکیمانه آنرا محقق ساخته و حفظ نماید چنانکه الله ﷻ میفرماید: {الرَّجْ كِتَابُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ} "الرا، کتابیست که آیات آن استوار ساخته شده سپس به تفصیل بیان شده است از جانب حکیمی آگاه".

"الف، لام، را [این قرآن] کتاب بزرگواری است که آیه های آن توسط الله ﷻ منظم و محکم گردیده است [لذا هیچ گونه تناقض و خللی بدان راه ندارد] و نیز آیات آن از سوی الله ﷻ شرح و بیان شده است که هم حکیم است و هم آگاه [و کارهایش از روی علم و فرزاندگی انجام میپذیرد]."

ترجمه این رساله "الإسلام دين كامل" نوشته شيخ محمد الأمين الشنقيطی: بتاريخ ۴ | ۷ | ۱۴۲۸هـ به پایان رسید. اللهم لك الحمد أولا وآخرا، ولك الشكر على ما أنعمت به علينا، اللهم

ارحمنی واغفر لی ولوالدی وللاساتذتی ولکل من له حق علینا، وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وآله وأصحابه أجمعین من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين[آمین].

فہارس

موضوع	صفحہ
۱- مقدمہ مترجم:.....	۱
۲- مقدمہ مؤلف:.....	۴
۳- اسلام دین کامل است:.....	۴
۴- وقت نزول این آیت:.....	۴
۵- توضیح چند مطلب:.....	۴
۶- مسئلہ اول(توحید) وانواع آن:.....	۵
۷- نوع اول:توحید ربوبیت:.....	۶
۸- نوع دوم:توحید الوہیت ویا توحید عبادت:.....	۷
۹- نوع سوم: توحید اسماء وصفات الله متعال:.....	۸
۱۰- مسئلہ دوم : (وعظ).....	۹
۱۱- هدف ازآفرینش مخلوقات:.....	۱۰
۱۲- مسئلہ سوم : فرق میان عمل نیک وغیرآن:.....	۱۲
۱۳- شروط قبول عمل وعبادت:.....	۱۲
۱۴- شرط اول:.....	۱۲
۱۵- شرط دوم:.....	۱۳
۱۶- شرط سوم:.....	۱۴

۱۷- مسئله چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی

..... ۱۴

۱۸- مسئله پنجم: احوال مجتمع: ۱۷

۱۹- موضع اول: ۱۹

۲۰- موضع دوم: ۲۰

۲۱- موضع سوم: ۲۰

۲۲- مسئله ششم: مسئله اقتصاد: ۲۱

۲۳- مسئله هفتم: سیاست: ۲۲

۲۴- و اما سیاست داخلی: ۲۴

۲۵- اول: حفظ دین: ۲۴

۲۶- دوم: حفظ نفس: ۲۴

۲۷- سوم: حفظ عقل: ۲۴

۲۸- چهارم: صیانت نسب (نسلها): ۲۵

۲۹- پنجم: حفظ ارزشهای مردم: ۲۵

۳۰- ششم: حفظ اموال: ۲۵

۳۱- مسئله هشتم: سیطره کفار بر مسلمانها: ۲۶

۳۲- مسئله نهم: ناتوانی مسلمانها در مقابل کفار

از لحاظ تعداد و آلات جنگی ۲۷

۳۳- مسئله دهم: مشکل اختلاف دلها: ۳۱

- ۳۴- خلاصه این بحث:..... ۳۲
- ۳۵- اول : دفع مفسد:..... ۳۲
- ۳۶- دوم : جلب مصالح:..... ۳۲
- ۳۷- سوم : آراسته بودن به مکارم اخلاق: ۳۲
- ۳۸- خصلت های فطری:..... ۳۳
- ۳۹- حرام دانستن چیزهای پلید و ناپاک:..... ۳۳
- ۴۰- فهارس:..... ۳۴